

سپردن قیمت‌گذاری و بازار آزاد کليدواژه‌های پر بسامد اين روزهای اقتصاد ايران است. ادبياتی که با روی کار آمدن دولت تدبیر و امید و تیم اقتصادی آن بیشتر از گذشته به گوش می‌رسید به نحوی که سیاست‌های تعدیل اقتصادی دولت سازندگی را به‌وضوح به‌خاطر می‌آورد.

اینکه از اساس این رویکرد کلان اقتصادی چقدر درست است و با واقعیت‌های اقتصادی کشور ما همخوانی دارد یا نه بحث تخصصی و مفصلی است که از حوصله این یادداشت خارج است. برای ورود به بحث، چارچوب اصلی این نحله اقتصادی را پذیرفته و در چارچوب ادبیات همین رویکرد اقتصادی، به موضوع خودرو در کشور ورود می‌کنیم.

مدتی قبل بود که دولت در تصمیمی جنجالی قیمت‌گذاری خودرو را از شورای فراقوه‌ای رقابت خارج کرده و به شورای حمایت که تحت وزارت صمت تعریف می‌شود سپرد. شورای حمایت نیز قیمت‌گذاری خودرو را به مفهومی بنام بازار سبرده و مصوب کرد قیمت فروش خودرو در کارخانه‌ها ۵ درصد زیر قیمت بازار خواهد بود. مدتی گذشت تا همین مدل قیمت‌گذاری با روشی دیگر با به رسمیت شناختن قدرت و تمایل خودروسازان مطرح شد.

حсал فسارغ از اینکه به چه نحو و فرمولی قیمت خودرو متأثر از مفهوم بازار می‌شود تلاش می‌کنیم به اصل همین مفهوم بازار پرداخته و آن را تحلیل کنیم.

نخستین اینهم در فهم بازار این است که این بازار دقیقاً کجاست؟ بازار فروشندگان اتومبیل در خیابان‌های مختلف تهران و نمایشگاه‌های اتومبیل؟ واسطه‌های غیررسمی فروش که در اطراف مراکز شماره‌گذاری و چند بازار دیگر در

در سال‌های اخیر، وقوع رخدادهای مهم اقتصادی مانند نوسانات نرخ ارز و رشد بی‌پریی هزینه زندگی، سبب شد تا قدرت خرید مردم به شدت کاهش یابد و اکثریت به اتفاق مردم، تورم و گرانی را عمیقاً لمس نمایند و برای ادامه زندگی خود مجبور شوند تا کیفیت زندگی خود را پایین بیاورند.

اگرچه، بخشی از تورم و گرانی در کشور ناشی از تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی عوامل خارجی است، اما بخش دیگر آن، نتیجه عملکرد مدیران و دست‌اندرکاران اقتصادی کشور است که از فرصت‌ها و تهدیدات به درستی و به موقع استفاده نمی‌کنند.

تکنه اساسی، اینجاست که چرا در ایران، با وجود داشتن منابع غنی نفت و گاز و دارا بودن حدود ۳ درصد از ذخایر معدنی جهان و با حدود ۷۰نوع ماده معدنی و بهره‌مندی از تنوع آب و هوایی و داشتن نیروی انسانی فراوان و خلق، همچنان بخشی از جامعه از گرانی و فقر و بیکاری رنج می‌برند. پر واضح است که، ریشه این مشکلات اقتصادی، ناشی از کمبود منابع و مواد اولیه، سرمایه و نیروی کار نیست، بلکه رد پای آنرا بایستی در عوامل دیگری جست‌وجو نمود که یقیناً یکی از عوامل تورم و گرانی، ناشی از سیاست‌ها و خط مشی‌های اقتصادی است که اگر به درستی و هدفمند، وضع و اجراء شوند، موجب رشد و شکوفایی، توازن بین منابع و مصارف، عادی‌سازی قیمت‌ها و حفظ ارزش پول ملی می‌شود و برعکس، چنانچه این سیاست‌ها و خط‌مشی‌های اقتصادی به صورت نادرست و غیرمنطقی و بی‌هدف، وضع و اجراء شوند، موجب رکود و کساد،ی عدم توازن بین منابع و مصارف، افسارگسیختگی قیمت‌ها و تضعیف ارزش پول ملی خواهد شد.

در واقع، تورم در اثر افزایش هزینه زندگی و

در سالیان گذشته همواره یکی از سیاست‌های اصلی اتخاذ شده جهت تولید مسکن، تحریک بازار از ناحیه تقاضا و تخصیص و افزایش سقف وام‌های خرید مسکن بوده است. سیاست مذکور نظر به اینکه با افزایش

کشف قیمت خودرو در کدام بازار؟

تهران تجمع می‌کنند؟ یا سایت‌های درج آگهی که با هدف کنترل بازار درج قیمت در آنها محدود شده است؟

این موضوع را از زاویه‌ای دیگر نیز می‌توانیم بررسی کنیم. بعضاً اعداد عجیب و غریبی برای قیمت خودرو (و دیگر کالاها) در فضای مجازی شنیده می‌شود. این اعداد از کجا به دست می‌آیند؟ فعالان بازار خودرو که همگی اذعان دارند ماه‌هاست خرید و فروشش انجام نداده‌اند! این قیمت‌ها دقیقاً در کجا در حال کشف و انتشار است؟ آیا احتمال مدیریت هدفمند افکار عمومی توسط خرده جریان‌های رسانه‌ای/ امنیتی در چنین فضای غیرشفافی محتمل نیست؟ یکی از اساسی‌ترین مولفه‌هایی که در ادبیات بازار آزاد درخصوص خودرو و بقیه کالاها به شدت مبهم و غیرشفاف است بازار معیار است. بازاری که فالغ از درستی یا نادرستی پذیرش شایبش، آن را در قیمت‌گذاری موثر کرده و به آن رسمیت بخشیم.

مولفه مهم دیگر که تا حد بسیار زیادی با چیستی اصل بازار خودرو که شرح داده شد دارای همپوشانی است ویژگی‌های بازار است. اساساً منطق ادبیات بازار آزاد و عدم دخالت دولت در بازار این است که قیمت متأثر از عرضه و تقاضا است و نقطه‌ای که این دو با هم به تعادل می‌رسند بهترین قیمت است. زیرا قیمت بالا تقاضا را کم کرده و تقاضای کمتر از عرضه نیز قیمت را تا

کشف قیمت خودرو در کدام بازار؟



مرز عرضه کاهش می‌دهد بنابراین حاکمیت‌ها با کنار کشیدن خود از این مکانیزم طبیعی، اقتصاد را به سمتی هدایت می‌کنند که بدون دخالت آنها و متأثر از عرضه و تقاضا بازارها خودشان را تعدیل کنند.

فارغ از اینکه اصل این منطق را قبول داشته باشیم یا نه در این منطق دو پیش فرض اساسی وجود دارد که باعث می‌شود مکانیزم بازار به خوبی عمل کند. نخست اینکه تقاضا به قیمت حساس

زمان‌سنجی و حرکت‌سنجی برای افزایش میزان تولید، پرهیز از دوباره کاری و استفاده از تکنولوژی نوین، نرم‌افزارهای هوشمند برای افزایش راندمان و بهره‌وری تولید، موجب کاهش هزینه‌های تولید و قیمت تمام شده می‌شود.

دومین راه‌حل برای مقابله با تورم و گرانی، جلوگیری از احتکار است. نگهداری و انبار نمودن کالاهای ضروری به قصد کمیاب و گران کردن آن، عملی غیراخلاقی و غیرقانونی است. با وجودی که، قوانین متعدد برای مبارزه با احتکار و مجازات محکرتین وجود دارد، اما این قوانین شفاف و اثربخش نمی‌باشند، لذا نیاز است تا قوانین و مقررات مورد بازبینی قرار گیرد تا اقتصاد کشور از طریق احتکار دچار کمبود عرضه کل نشود.

سومین راه‌حل برای مقابله با تورم و گرانی، رشد و رونق تولید است. با نگهدی به آمار و اطلاعات طرح‌ها و پروژه‌های نیمه تمام ملاحظه می‌شود که حدود ۷۰ هزار طرح و پروژه ملی و

اقتصادی

کشف قیمت خودرو در کدام بازار؟

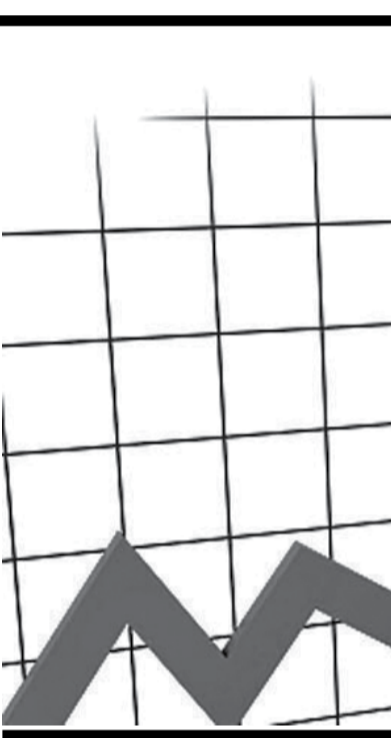


است. این اصل یعنی اگر کالایی قیمتش بالا برود از توان خرید متقاضیان خارج شده و تقاضا برای آن کمتر از عرضه می‌شود و طبیعتاً عرضه‌کننده برای فروش محصول خود قیمت را کم می‌کند. این پیش فرض در بعضی کالاها و خدمات به شدت نقض می‌شود؛ کالاها و خدمات حیاتی از اندازه‌ی مسکن حیاتی نیست اما نیاز مردم به آن نیز آن‌قدر غیرضرور نیست که با افزایش قیمت آن تقاضا برای آن به شدت کاهش یابد. بنابراین

کشف قیمت خودرو در کدام بازار؟

به‌نظر می‌رسد در یک شرایط متعادل و طبیعی نیز سپردن کامل قیمت‌گذاری محصولی مانند خودرو چندان منطقی نیست. مولفه مهم و اساسی دیگر در شکل‌گیری مفهوم بازار، وجود بازیگران متعدد در طرف عرضه و تقاضاست به نحوی که تبانی بین آنها غیرممکن یا خیلی بعید باشد. به زبان ساده‌تر خریداران یک کالا و خدمات نباید آن‌قدر کم تعداد باشند تا بتوانند با هماهنگی، تقاضا برای یک کالا را آن‌قدر کم کنند که عرضه‌کننده برای فرار از شکست تن به کاهش شدیدی قیمت حتی به زیر قیمت تمام شده دهد.

همین موضوع از زاویه دیگر نیز قابل بررسی است، در طرف عرضه نیز اگر تعداد عرضه‌کنندگان آن‌قدر زیاد باشد یا رقابت بین آنها آن‌قدر شدید باشد که امکان تبانی بین آنها اساساً ممکن نباشد سپردن قیمت به تعادل بین عرضه و تقاضا در منطق بازار قابل دفاع است. اما ای‌ا در حال حاضر بر اساس منطق همین بازار آزاد که اقتصاددانان مورد وثوق دولت نیز از آن پارادایم هستند ما با چنین بازاری در خودرو مواجه هستیم؟ یا با تعدد عرضه‌کنندگان روبه‌رو هستیم یا تضاد منافع و رقابت شدید بین آنها؟ چیزی که امروز در ادبیات اقتصادی ما از آن به‌عنوان «بازار خودرو» یاد می‌شود و سیاست‌گذاری‌تی نیز در پی سپردن قیمت‌گذاری کارخانه به آن هستند بازاری است که یک طرف



یکی از راه‌های موثر برای جبران کمبود تولید، واردات کنترل شده و هدفمند است. چنانچه، برای جبران کمبود کالاهای ضروری و اساسی، به موقع از ابزار واردات استفاده نشود، قیمت افزایش می‌یابد و سبب می‌شود تا قیمت سایر کالاها نیز افزایش یابد که این به نفع مردم نمی‌باشد. در بلندمدت با واردات تجهیزات، ماشین‌آلات و تکنولوژی نوین می‌توانیم تولید را افزایش دهیم. به مقداری که واردات، برای مهار و کنترل قیمت‌ها موثر است، صادرات نیز به همان مقدار، برای مهار تورم و گرانی نقش اساسی دارد. بنابراین، مسئولان و دست‌اندرکاران اقتصادی کشور در امر صادرات نیز بایستی دیپلماسی هوشمندانه و عالمانه داشته باشند. به دلیل محدودیت منابع و مواد معدنی، بالا بودن نرخ بیکاری و حذف ارزش افزوده در مکانیزم خام فروشی مواد معدنی و نفت خام، صادرات به

تورم و گرانی نمی‌شد.

ایروینگ فیشر، اقتصاد دان نئوکلاسیک در نظریه مقداری پول، معتقد است قیمت همیشه تابع حجم پول و سرعت گردش پول نیست، بلکه میزان تولیدات (عرضه کل) نیز نقش اساسی در کنترل قیمت (نرخ تورم) دارد و تأکید دارد که رشد تولید، موجب کاهش قیمت و برعکس، کاهش تولید، موجب افزایش قیمت می‌شود. لذا با توجه به نقشی که رشد تولید در افزایش عرضه کل و کاهش تورم دارد در کوتاه‌مدت تحقق رشد

راهکارهای مقابله با گرانی

به بخش‌های اقتصادی مشخص کننده این تکنه است که دستور رئیس‌جمهور پیرامون اختصاص ۲۰ درصد از منابع داخلی بانک‌ها به حوزه مسکن محقق نشده است. به این اساس در ۶ ماهه ابتدایی سال جاری بانک‌های کشور نسبت به پرداخت ۶۹۷ هزار میلیارد تومان در قالب تسهیلات اقدام کرده‌اند. این در حالی است که تنها ۳۹ هزار میلیارد از کل تسهیلات به حوزه مسکن تعلق گرفته است. به عبارت دیگر برخلاف دستور مستقیم رئیس‌جمهور، تنها ۵٫۵ درصد از منابع داخلی بانک‌ها در قالب تسهیلات به بخش مسکن رسیده است. از این مقدار هم ۳۰ درصد از تسهیلات حوزه مسکن به بخش خرید بوده و تأثیر در تولید مسکن نداشته است. در حقیقت تنها ۱٫۵ درصد از تسهیلات بانک‌ها در ۶ ماهه ابتدایی سال جهش تولید که زمان اوج فعالیت عمرانی کشور است به حوزه ساخت مسکن تعلق گرفته است. بر این

سهامداران در روزهای قرمز بازار سرمایه چه کنند؟

سرمایه‌گذاری در هر جایی ممکن است با ریسک همراه باشد، اما در بازارهای مالی این ریسک به شدت بیشتر از سایر بازارهاست.
بازارهای مالی در این روزها بیشتر شبیه یک میدان جنگ میان خریداران و فروشندگان و دلانل شده است. در این بین عده‌ای با سفته‌بازی به دنبال ایجاد سود برای خود از طریق ایجاد ضرر برای دیگران هستند. این نحوه عملکرد در میان سفته‌بازان بازار بورس، در مقایسه با سایر بازارهای مالی در ماه‌های گذشته، بیشتر بازار سرمایه را با مشکل مواجه کرده است.

بخشی از اصلاح ۴۰ درصدی بازار سرمایه نیز به همین دلیل بوده است. در واقع افرادی که برای سهامداری وارد بورس شده‌اند، به‌دلیل رفتار هیجانی و عدم برخورداری از آموزش‌های لازم راه را برای سفته‌بازان هموار کرده‌اند.

البته این افراد با استفاده از فضای مجازی در حال موج‌سواری بر روی این رفتار هیجانی هستند و در اصلاح بازار در ۳ ماه گذشته نقش موثری داشته‌اند. هرچند شرکت‌های حقوقی نیز در این بین با نوسان‌گیری نقش پررنگی در این زمینه داشتند.

در این شرایط که برخی افراد در حال سوءاستفاده و ارائه تحلیل‌های نادرست برای ایجاد فضای ترس از بورس هستند، سهامداران باید به برخی نکات در این زمینه توجه لازم را داشته باشند.

۱- معامله در بورس با رفتار عقلایی:

فرار از زیان و یا درخواست سود بدون نوسان یکی از موضوعاتی است که در ماه‌های گذشته بسیار تبلیغ شده است. افراد نیز براساس همین دیدگاه وارد بورس شده‌اند. اما نوسان فراوان و ضرری که عده‌ای در ماه‌های گذشته دچار شده‌اند، رفتار هیجانی و بی‌منطق را افزایش داده است. کارها و بارها گفته شده است که رفتار عقلانی در بازارهای مالی مخصوصا بورس می‌تواند راهگشا باشد. فعالان بازار سرمایه باید تلاش کنند مستقل از نوسانات کوتاه‌مدت، رفتار منطقی خود را ادامه دهند و از هیجان بازار دور باشند.

زمینه‌سازی و فراهم کردن شرایط مناسب به منظور خانه دار کردن اقشار کم درآمد و متوسط است. گفت: «باید فیرست متوازنی از مسئولیت‌ها به تفکیک بانک‌ها در سطح استانی و شهری تهیه شود که در این زمینه فعالیت‌هایی انجام شده و باید تکمیل شود».

مسکن، کمیته کاری مشترک بین بانک‌ها و وزارت راه و شهرسازی تشکیل می‌شود».
هدایت ۵ درصد از منابع داخلی بانک‌ها به بخش مسکن
با گذشت ۱۱ ماه از دستور رئیس‌جمهور مبتنی بر اختصاص ۲۰ درصد از منابع داخلی

بانک‌ها و اهتمام وزیر راه و شهرسازی نسبت به تحقق این امر، حالا مشخص شده تنها ۵ درصد از منابع داخلی بانک‌ها به حوزه مسکن هدایت شده است.

بر اساس آمارها، تسهیلات پرداختی بانک‌های شش ماهه ابتدای سال ۱۳۹۹

اسلامی در بخشی از سخنان خود با مدیران عامل بانک‌ها بر تشکیل کمیته کاری بین وزارت راه و شهرسازی با مدیران عامل بانک‌ها تأکید کرد و توضیح داد: «به منظور وحدت رویه تمامی بانک‌ها برای تخصیص ۲۰ درصدی منابع بانک‌های کشور به بخش

سقف تسهیلات بانکی، تقاضای خرید مسکن افزایش می‌یابد و با رونق نسبی حاصل از این افزایش تقاضا، تقاضای سرمایه‌ای به این بخش وارد شده و این موضوع افزایش تولید را به دنبال دارد، پیگیری می‌شد.

به گزارش عیار آنلاین ،کارشناسان اقتصاد مسکن معتقدند پرداخت وام به‌تنهایی نمی‌تواند مدل مناسبی برای خانه‌دار کردن مردم باشد. به همین دلیل پیشنهاد تحریک توأمان عرضه و تقاضا از طریق ورود به حوزه ساخت مسکن به همراه کنترل سودآوری را داده‌اند. اهمیت ورود دولت به حوزه ساخت مسکن به قدری است که بسیاری از کارشناسان، عدم تناسب میان عرضه و تقاضا را موجب افزایش قیمت مسکن می‌دانند.

وعده اختصاص ۲۰ درصد از منابع داخلی بانک‌ها به بخش مسکن
در همین راستا ۱۹ آذرماه سال ۹۸ بود که وزیر راه و شهرسازی وعده اختصاص ۲۰ درصد از منابع داخلی بانک‌ها به حوزه مسکن را داد تا شرایط به منظور تأمین سرمایه لازم برای ساخت مهیا شود و تولید مسکن رونق پیدا کند.

محمد اسلامی، وزیر راه و شهرسازی ضمن تأکید بر اینکه وظیفه دولت تلاش برای

صفحه ۷

سه‌شنبه ۲۰ آبان ۱۳۹۹

۲۴ ربیع‌الاول ۱۴۴۷ - شماره ۶-۲۲۶

آن دو عرضه‌کننده عمده وجود دارد که حتی کمترین رقابتی نیز بین خود نداشته و کلاس‌های مختلف قیمتی و پلتفرمی را بین خود تقسیم کرده‌اند. وضعیت سهامداری آنها به نحوی است که چه به‌صورت مستقیم و چه غیرمستقیم دارای ذی‌نفعانی مشترک هستند.

از سوی دیگر به واسطه مشکلات مربوط به تحریم‌ها و محدودیت‌های ارزی و ممنوعیت واردات خودرو عملاً سهم کوچک واردات در ایجاد تنوع عرضه‌کنندگان نیز از بین رفته و جدی‌ترین شرط شکل‌گیری یک بازار یعنی تعدد عرضه‌کنندگان و تناسب عرضه و تقاضا به شدت مختل شده است.

از سوی دیگر به دلیل حجم بالای نقدینگی و سقوط ارزش پول ملی تقاضا برای حفظ سرمایه نیز وارد چنین بازاری شده و تقاضا را به‌صورت کاذب افزایش می‌دهد. در چنین شرایطی نه تقاضا عادی است و نه ما با تعدد عرضه‌کنندگان مواجه هستیم.

در چنین شرایطی «بازار» و سپردن قیمت‌گذاری به بازار اسمی پوششی برای باز گذاشتن دست تولیدکننده برای قیمت‌گذاری بنا به منفعت خود و نادیده گرفتن حقوق مصرف‌کننده است. در واقع در چنین شرایطی به واسطه تحریم‌ها و افزایش نقدینگی ما اساساً با مفهومی بنام «بازار» روبه‌رو نیستیم و آنچه تحت عنوان بازار از آن یاد می‌شود هیچ کدام از ویژگی‌های اصلی یک بازار تعادل بخش قیمت و متعادل شونده عرضه و تقاضا را ندارد. بنابراین در چنین شرایطی به‌نظر می‌رسد تکرار پر بسامد واژه بازار در این حوزه رمز راز غارت مصرف‌کننده و سوءاستفاده از تحریم دشمن و ناکارآمدی دولت در کنترل نقدینگی و ارزش پول ملی است.

سید محمدرضا اصنافی

شکل مواد خام معدنی و نفت خام، به اقتصاد داخلی لطمه وارد می‌سازد. بنابراین، صادرات درصورتی که کشور مطلوب و مفید است که مواد معدنی و نفت خام تبدیل به محصولات نهایی شود و اشتغال در داخل کشور بوجود آید و ارز حاصل از صادرات به کشور برگردد. زمانی که صادرکننده، کالا را به قیمت داخلی (ریالی) خریداری و به قیمت جهانی (ارزی) صادر می‌کند، انتظار بر این است که صادرکننده به تعهدات ارزی خود پایبند باشد. در واقع، صادرات بدون برگشت ارز به کشور و با استفاده از ارز دولتی برای واردات کالاهای غیرضروری، لوکس و تجملاتی، بدترین نوع سیاست تجاری است که می‌تواند به اقتصاد کشور، لطمه وارد نماید.

بنابراین،راه‌حل‌های چهارگانه شامل: صرفه‌جویی و بهینه‌سازی در هزینه‌های تولید، جلوگیری از احتکار، رشد و رونق تولید و مدیریت بر واردات و صادرات، نیاز به شفاف‌سازی و ساده سازی قوانین و مقررات، اصلاح و اجرای ساختار نظام اجرایی و اداری، اصلاح و اجرای ساختار نظام مالیاتی کشور و مهم‌تر از همه، نیاز به بکارگیری مدیران کارآمد، متخصص، متعهد و مسئولیت پذیر دارد.

قاعده‌ات، ایجاد زیرساخت‌های تولیدی در کشور، بهبود فضای کسب و کار و اصلاح یا حذف قوانین مزاحم، متعارض و مشابه و فعال سازی حدود ۱۰ هزار واحد صنعتی کوچک و متوسط تعطیل و یا نیمه تعطیل و ثبت اطلاعات در سامانه‌هایی مانند سامانه جامع املاک و اسکان، سامانه مالیات بر عایدی املاک و دوره نگهداری املاک، سامانه جامع انبارها و مراکز نگهداری کالا، سامانه جامع تجارت و سامانه جامع امور گمرکی به منظور شفاف‌سازی، گزارش‌گیری به موقع و نظارت و کنترل بر امور، از طریق مدیران متخصص، متعهد و مسئولیت‌پذیر امکان‌پذیر است.

فرزاد بزرگی

فرزاد بزرگی

فرزاد بزرگی

فرزاد بزرگی

فرزاد بزرگی

فرزاد بزرگی

فرزاد بزرگی

فرزاد بزرگی

فرزاد بزرگی

فرزاد بزرگی

فرزاد بزرگی

فرزاد بزرگی

فرزاد بزرگی

فرزاد بزرگی

فرزاد بزرگی

فرزاد بزرگی

فرزاد بزرگی

فرزاد بزرگی

فرزاد بزرگی

فرزاد بزرگی

فرزاد بزرگی

فرزاد بزرگی

فرزاد بزرگی

فرزاد بزرگی

فرزاد بزرگی

فرزاد بزرگی

فرزاد بزرگی

فرزاد بزرگی

فرزاد بزرگی

فرزاد بزرگی

فرزاد بزرگی

فرزاد بزرگی

فرزاد بزرگی

فرزاد بزرگی